



عکس ها: ابوالفضل سبایی / ایران

حضور چند تن از قربانیان اسیدپاشی وحامیان انجمن در روزنامه ایران

انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی تأسیس شد

شروعی دوباره با تقسیم دردها

ترانه بنی یعقوب

«بیرون گود ایستادن با داخل گود بودن خیلی متفاوت است. ما نمی خواهیم هیچ کس روزهای سختی را که ما گذراندیم به تنهایی ازسر بگذراند. برای همین تصمیم گرفتیم انجمن حمایت از قربانیان اسید پاشی را با همت جمعی از پزشکان، هنرمندان و... تأسیس کنیم.» این را معصومه عطایی، قربانی اسید پاشی و عضویات مدیره این انجمن تازه تأسیس می گوید، انجمنی که یک ماه از تأسیس آن می گذرد. معصومه چند سال قبل توسط پدر شوهرش اسید پاشی شد. او در این حمله بینایی چشمش را از دست داد و صورت و بدنش هم بدست سوخت و آسیب دید. حالا او بریل آموخته و سفالگری

می کند. به قول خودش کمی از روزهای سخت و عذاب آور را پشت سر گذاشته. همان روزهایی که مدام در خانه می ماند و دلش نمی خواست از پيله تنهایی اش خارج شود؛ «ثبت انجمن، نزدیک به یک سال طول کشید اما حالا آماده فعالیتیم و از همه خیران و هنرمندان می خواهیم یاری مان کنند. همچنین از قربانیان اسید پاشی در سراسر کشور می خواهیم برای عضویت در این انجمن اقدام کنند. آمار دقیقی از قربانیان اسید پاشی در دست نیست و شاید این انجمن نخستین گام ها را برای جمع آوری فهرست دقیق قربانیان بردارد.»

در میانشان، کارگردان فیلم لانتوری و نوید محمدزاده بازیگر این فیلم دیده می شود. لانتوری سال گذشته در سینماهای سراسر کشور اکران شد. این فیلم روایت زندگی «مریم» دختر روزنامه نگاری است که قربانی اسید پاشی می شود، اما در نهایت اسیدپاش فیلم، یعنی همان پاشای لانتوری را که نوید محمدزاده ایفاگر نقش آن است می بخشد. سید کمال فروتن، فوق تخصص جراحی پلاستیک و محسن مرتضوی دیگر قربانی اسید پاشی هم اعضای هیأت مؤسس این انجمن هستند. معصومه کمی از خودش می گوید، ۳۳ ساله و مادر پسر ۱۱ ساله. او هم مثل خیلی ها قبل از حادثه اسیدپاشی صاحب یک زندگی

عادی بود. آرایشگری می کرد و برای خودش آرزوهایی داشت تا روزی که پدرشوهرش با اسید زندگی اش را از این رو به آن رو کرد؛ «ما روزهای سختی را سپری کردیم؛ من، زبور، مهناز، سهیلا، محسن و... متأسفانه آمار قربانیان اسیدپاشی هر روز رو به افزایش است و مجازات بازدارنده ای هم برایش وجود ندارد. ما نمی توانیم در بخش قانونی ماجرا مداخله کنیم اما دست کم در این انجمن می توانیم در زمینه کمک رسانی به قربانی ها تلاش کنیم. آدم هایی که شاید تا به حال هیچ کس نامی هم از آنها نشنیده باشد. در همین مدت کوتاه که خبر تأسیس انجمن دهان به دهان پیچیده بود، زنان و مردانی از نقاط مختلف کشور با من تماس گرفتند و گفتند نیازمند کمک و حمایت جدی هستند. کسانی که حتی یک بار هم نامی از آنها در روزنامه برده نشده. آدم هایی که نیاز به مشاور، پزشک و وکیل دارند و بعد از حادثه کاملاً خانه نشین شده اند، خانه نشینی یعنی رها شدن. ما از طریق این انجمن می خواهیم افراد را از خانه نشینی و فروپاشی شدن نجات بدهیم.» معصومه معتقد است او و دیگر قربانیان که ماجرای مشابهی را پشت سر گذاشته اند بهترین راهنما برای کسانی هستند که این رنج را تحمل می کنند. چرا که هیچ کس جز کسی که این بحران را گذرانده، نمی تواند حال و روز یک قربانی اسید پاشی را درک کند.

هر چند آمار دقیقی از قربانیان اسید پاشی وجود ندارد، اما هر ماه خبرهای دسته گریخته ای از حمله های اسیدپاشی در سراسر کشور به گوش می رسد. همین چند روز پیش رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی خوزستان خبراز حادثه اسیدپاشی در منطقه باهنر شهر اهواز داد. البته کمتر کسی هم می تواند اسید پاشی های زنجیرهای در شهر اصفهان را از یاد ببرد. اسید پاشی هایی که هیچ وقت عاملانش به افکار عمومی معرفی نشدند و تنها گاهی خبر از آسیب دیدگان این ماجرا می شنویم. قربانیانی که بعد از گذشت ۳ سال از ماجرا هنوز بیمارستان، خانه اصلی شان است.

سید کمال فروتن، فوق تخصص جراحی پلاستیک و از اعضای هیأت مؤسس این انجمن می گوید: «قربانیان اسیدپاشی یکی از شدیدترین انواع سوختگی و جراحات را تحمل می کنند و عملاً بعد از این ماجرا کسی از آنها حمایت نمی کند. هدف ما بازگرداندن این افراد به زندگی است. قربانیانی که نیازمند کمک حقوقی، پزشکی و مشاوره هستند. کسانی که نه تنها خودشان که خانواده شان هم بعد از این ماجرا دچار آسیب شدید می شوند. متأسفانه تعداد قربانیان اسید پاشی زیاد است اما آمارهای رسمی در این زمینه وجود ندارد یا انگار کسانی دلشان نمی خواهد آمار این حوادث اعلام شود. در سال ۹۴ فقط در تهران ۵۷ یا ۵۸ نفر اسیدپاشی شدند که همین آمار نشان می دهد تعداد قربانیان در دیگر شهرها هم کم نیست. شاید این انجمن با فعالیت هایش بتواند در کاهش این آسیب نقش

داشته باشد. همچنین انجمن جایگاهی است برای حمایت همه جانبه از قربانیان تا دوباره به زندگی بازگردند. خیلی از قربانی ها از زندگی و جامعه طرد می شوند و خودشان هم دل شان نمی خواهد وارد چرخه زندگی روزمره شوند. وظیفه ما در این زمینه نگرش هاست.» مریم زمانی، ۳۸ ساله یکی از قربانیان اسید پاشی است که خیلی نامش در رسانه ها دیده نشده. او و دخترش آرزو چند سال پیش توسط همسر برادرش در خانه شان با اسید سوزانده شدند؛ «همسر برادرم ساعت ۳ نیمه شب اسید سولفوریک را روی سر و روی من و دخترم پاشید. هیچ وقت نفهمیدم انگیزه اش چه بود. ۳ سال زندان رفت و بعد هم

محسن مرتضوی، دیگر قربانی اسید پاشی چند سال پیش در اداره ای که کار می کرد توسط یکی از همکارانش اسیدپاشی شد. به قول خودش با ۴ لیتر اسید زندگی اش سوخت. محسن هم مثل معصومه و زیور و دیگر قربانیان اسیدپاشی بارها و بارها جراحی شده. او هم از اعضای هیأت مؤسس انجمن حمایت از قربانیان اسید پاشی است: «من، معصومه و دیگر قربانی ها گاهی می نشینیم و باهم حرف می زنیم که کدام پزشک بهتر عمل می کند. اگر بتوانیم جمعی در این باره حرف بزنیم، راهکارهای بهتری هم پیدا می کنیم. ما حتی خیلی از قربانی ها را نمی شناسیم که بخواهیم این تجربه ها را به آنها انتقال دهیم؛ یعنی کاملاً رها شده ایم. مشکل اصلی ما رها

شدن است. انگار همه ما را فراموش کرده اند.» محسن هم توانسته بعد از سپری کردن رنج هایش دوباره تا حدی به جامعه بازگردد. این روزها کارگاه کوچکی برای معرق سازی دارد و آماده است تا به بقیه کسانی که این رنج بزرگ را تحمل می کنند کمک کند: «وقتی این حادثه برای ما اتفاق افتاد برای درمان و ادامه زندگی هیچ راهنما و مرجعی نداشتیم، نمی دانستیم باید پیش کدام دکتر برویم چون سوختگی و متفوات است. مثلاً هیچ کس قبول نمی کرد سر من را جراحی کند تا در نهایت دکتر فروتن را که یکی از بانیان انجمن است در یک کنگره دیدم و او قبول کرد سرم را جراحی کند. سوختگی با بنزین و آتش با سوختگی اسید کاملاً

متفاوت است. اسید پوست و گوشت را می جود. قربانی ها بعد از حادثه عملاً بیشتر آسیب دیدگان خانه نشین، منزوی و افسرده می شوند. برخی از خانواده های ما هم حاضر نیستند چهره جدیدمان را ببینند چه برسد به افراد جامعه. بیشتر ما مشکل داریم؛ بیکاری واقعاً سخت است. شاید این انجمن ما را از انزوا در بیاورد و دورهم بتوانیم شغلی درست کنیم.» حرف های محسن مرا یاد کافه ای در شهر آگرای هند می اندازد، کافه ای که توسط قربانیان اسیدپاشی اداره می شود. شاید آنها هم بتوانند در این انجمن شروعی تازه داشته باشند. شاید باهم بودن رنج های این آسیب را کمتر کند. شاید...

پویشی اجتماعی

برای «نه به خرده فروشی اسید»

مغازه ای در چهارراه سیروس تهران با ظاهری عادی و دبه هایی پر و نیمه پر در این گوشه و آن گوشه اش. چیزی نیست، اسید می فروشند. از آقای فروشنده قیمت می پرسم. بدون اینکه سرش را بلند کند، تند تند جواب می دهد؛ این یکی ۱۶ هزار تومان، آن یکی ۱۴ هزار تومان و... بسته به نوع اسید و حجم و اندازه، قیمت هم متفاوت است. خرید اسید به همین سادگی است.

یاد صورتهای سوخته با اسید می افتم. زخمهایی که اسید برجا می گذارد، همیشگی است با حفره هایی پاک ناشدن. می پرسم فکر نمی کنید کسی که اسید می خرد قصد بدی دارد؟ حتی یک لحظه هم به ذهنتان خطور نمی کند که او ممکن است اسید را بر چهره کسی بپاشد؟

مغازه دار سرش را می خاراند: «ما که نمی توانیم همه رو شناسایی کنیم. اگه کسی چنین قصدی داشته باشه بالاخره جنشش رو هم پیدا می کنه. به فروختن و نفروختن نیست. تازه همین مواد شوینده هم یک جور اسیده. کسی که قصدش اینه موفق هم می شه.» خرید اسید ساده است، خیلی ساده. همین جست و جوی ساده کافی است که بفهمی خرده فروشی اسید رایج است و خریدش هم آسان. حرف های آقای مغازه دار مرا می برد به خاطره ای نه چندان دور. یاد مرد اسیدپاشی می افتم که چندی پیش با او گفت وگو کردم. نامش یونس بود و سالها قبل روی صورت نامزدش اسیده پاشیده بود. همان نامزدی که بعد به همسری اش درآمد.

یونس از همین خیابان اسید خریده بود. او می گفت اسید زندگی اش را زیر و رو کرد. آرزو می کرد کاش آنقدر راحت به اسید دسترسی نداشت و آنقدر خرید و فروشش آسان نبود. بارها در گفت وگویش گفت که رنج می کشد هر روز.

شاید دیدن چهره های سوخته با اسید و دردهای قربانیان اسید پاشی است که عده ای را به فکر انداخته فراخوانی با نام «نه به خرده فروشی اسید» تشکیل بدهند و در نامه ای از نمایندگان مجلس و قانونگذاران و معاونت زنان ریاست جمهوری بخواهند برای خرید و فروش اسید محدودیت های قانونی ایجاد شود. همه اقشار در این فراخوان حضور دارند؛ از مردم عادی گرفته تا هنرمندان و ورزشکاران.

در بخشی از نامه ای که اعضای این فراخوان تهیه کرده اند آمده: «اسید پاشی جرم است. اسیدپاشی به عینی ترین شکل، پوست و گوشت قربانی را می سوزاند و در عین حال امنیت فکری و روانی جامعه را هدف قرار می دهد. این فراخوان برای محدود کردن یکی از راه های پیشگیری از وقوع اسیدپاشی تشکیل شده و اعضای آن خواستار ضابطه مند کردن فروش اسیدنیتریک، سولفوریک یا هیدروکلریک که اغلب حملات با آنها انجام می گیرد هستند.

در حال حاضر تهیه این مواد به آسانی از یک مکانیکی یا فروشگاه مواد آزمایشی یا بهداشتی امکان پذیر و قیمت آن هم بسیار ارزان است. علاوه بر بازار و در مغازه های فروش مواد اولیه صنعتی و آزمایشگاهی، اکنون اسیدهای مختلف بدون هیچ بررسی ای درباره سابقه خریدار حتی اینترنتی و در اندازه نامحدود قابل تهیه است. اگر شرایط دشوار خرید، حتی یک نفر را از این اقدام منصرف کند، ارزش هر گونه توجهی را دارد.»

در این نامه همچنین تأکید شده: «از این رو ما امضاکنندگان این نامه از قانونگذاران در مجلس شورای اسلامی می خواهیم در همکاری با حقوقدانان و نمایندگان اصناف، خرده فروشی اسید را محدود و مقید به شرایط خاص کنند. چرا که اسیدپاشی سلب امنیت و بحرانی کردن زندگی اجتماعی همه ما و ویژه زنان است. باور ما این است که تلاش جمعی می تواند جلوی این فاجعه را بگیرد.»

مهابت محبوب، یکی از اعضای فعال این فراخوان در گفت وگو با «ایران» می گوید: «تاکنون بیش از هزار و ۷۰۰ نفر، نامه فراخوان «نه به خرده فروشی اسید» را امضا کرده اند. اسیدپاشی یک آسیب فردی و تهدیدی اجتماعی است. حوادث متعدد اسید پاشی در ایران زنگ خطری اساسی برای جامعه است تا جایی که برخی حقوقدانان این جرم را به علت ارباب عمومی و ایجاد ناامنی در جامعه برابر محاربه و افساد فی الارض می دانند.» او ادامه می دهد: «به عقیده ما راهکارهای ممکن برای کاهش این جرم، آموزش های فرهنگی و اجتماعی، بالا بردن میزان بازدارندگی مجازات ها در قوانین و به علاوه تلاش برای محدود و ضابطه مند کردن و قابل پیگیری بودن دسترسی به مواد شیمیایی با قابلیت استفاده مجرمانه است.»

یک جدول با دو شرح

جدول عادی

- ❖ افقی:
۱- دروغ و دروغگو- گونه ای بازی چورچین (پازل)
۲- جایزه سینما- هالوژن مایع- سوکواری
۳- چاشنی گوجه ای- آبنده- مرکز فلیپین- مروراید
۴- جانشین وضو- پیامبر طوفان- قاضی ورزشی
۵- قبیله صدر اسلام- بزرگواری- صداقت

- ۶- همدم، دوست- سندن- تاله
۷- داروغه، اداکردن عهد- درجه حرارت
۸- جانور پوست قیمتی- علم مطالعه رفتار- بی مهار و رها
۹- مبهوت، متعیر- جاشین معلم- آب ورز
۱۰- کلاهبردار- قهوه خانه- لباس صاف کن
۱۱- پارچه ای نخي مانند متقال- مرکز عراق- بسیار فقیر
۱۲- پایتخت لہستان- واحد شمارش شتر- دل ها
۱۳- بله آلمانی- حقیقی و راستین- بلبلنی خون.
۱۴- پادش نیکي یا بدی- قوه بینایی- اسب اصیل
۱۵- مؤلف «معجم البلدان»- عارضه جغرافیایی

عمودی:

- ۱- معمما- نوشتن همراه با خلق زیبایی
۲- عکس العمل گلر- جمع مزیت- مقابل، قبال
۳- کتف- نام حضرت عیسی (ع)- کارگر کشتی- سفید آذری
۴- ایالتی در شمال شرقی هندوستان- داروی هوشبری- ریاکار
۵- چند نکته- متداول و رایج- دلبری
۶- همین دم- رهبر سرخ جامگان- بی بجا
۷- تلخ- بفکردن- نصب کننده- ضد وجود
۸- رئیس جمهوری افغانستان
۹- لباس بلند گشاد- علامت صفت عالی- سرمنزل- حرف دهان کجی
۱۰- نشان خاص- سازنده پای افزار- مرغابی
۱۱- چوپان- اوراقی که دارای ارزش هستند- لقب اروپایی
۱۲- نان کاغذی- قایق یاکشتی تقریجی- به پاخاستن
۱۳- آواز بره- قبض- سلیت معروف- رفق
۱۴- شهر دوجرخه ها- توده هایی از سلول ها هستند که در آنها تقسیم سلولی به صورت فزاینده انجام می شود- خوراک بیمار
۱۵- کشیشی با درجه بالا- عاقبت چوینده

نگاه

■ معصومه عطایی قربانی اسیدپاشی: ثبت انجمن، نزدیک به یک سال طول کشید اما حالا آماده فعالیتیم و از همه خیران و هنرمندان می خواهیم یاری مان کنند. همچنین از قربانیان اسید پاشی در سراسر کشور می خواهیم برای عضویت در این انجمن اقدام کنند. آمار دقیقی از قربانیان اسید پاشی در دست نیست و شاید این انجمن اولین گام ها را برای جمع آوری فهرست دقیق قربانیان بردارد.

■ سید کمال فروتن فوق تخصص جراحی پلاستیک: قربانیان اسیدپاشی یکی از شدیدترین انواع سوختگی و جراحات را تحمل می کنند و عملاً بعد از این ماجرا کسی از آنها حمایت نمی کند. هدف ما بازگرداندن این افراد به زندگی است. انجمن جایگاهی است برای حمایت همه جانبه از قربانیان تا دوباره به زندگی بازگردند. خیلی از قربانی ها از زندگی و جامعه طرد می شوند و خودشان هم دل شان نمی خواهد وارد چرخه زندگی روزمره شوند. وظیفه ما در این انجمن به جز کمک پزشکی تغییر این نگرش هاست.

افقی:

- ۱- تومور بدخیم بافت لنفی- این رمان مکمل دیگر رمان مشهور جک لندن به نام آوای وحش است
۲- اندرز- حرکت کار- یار رامین
۳- پزشکی- کابوی خوش شانس- تبهکاری- روز نیست
۴- پرونده- ضمیر مغفولی- مهربانی و ملامت
۵- فلز سخت- پایتخت سیاسی کانادا- هماهنگ
۶- فساد، تباهی- شش عرب- آبیگونه
۷- مرکز بلاروس- سالم و در سلامت- آشکارا
۸- خاک مرغوب- درجه ای در نیروی دریایی- والد
۹- درنده زبنا- سندن- خواسته شده
۱۰- نوعی از خودرو پورشه- ظرف تهیه چای- ضد آشتی
۱۱- اسب اصیل- از رشته های ورزشی- به طور ناگهانی
۱۲- توم ووباد- رواندا خواب- سبز مایل به خاکستری
۱۳- سوسن کبود- فرشته مورد غضب- نیلوفر آبی- واژه تمجید
۱۴- شهر صنعتی آلمان- حیران- وسیله ورزش باستانی
۱۵- یک نوع درخت با دانه های خورنی- جعبه حروف سری در چاپ

جدول ویژه

عمودی:

- ۱- یکی از روستاهای دامنه سرسبز سیلان نزدیک شهر توریستی و بسیار زیبای سرعین- پایتخت لیسند
۲- گناه و خطا- دندان شوی- گوشتی
۳- شگرد- متضاد مثبت- کلمه تعلیل- کدوتتیل
۴- دوختن دوپیز به هم- آیین ها- می گویند نیمی از دیدار است
۵- صدای گریه- جورها و گونه ها- دارنده صفت های ناپسند
۶- فلسفه- طفل- پیگیری احوال کسی
۷- واحد دمیئون- کله و سر- قوای نظاهی یک کشور- سازمان جهانی هواشناسی
۸- زبانی در برنامه نویسی
۹- ذره باردار- تصحیح و ویرایش- چراگاه عشایر- کوچک
۱۰- از لوازم خطاطی- سم ها- مقابل سوال
۱۱- بی باکی- قوه سخن گوئی- نوعی خطا یا اشتباه در اجرای نرم افزار
۱۲- فرمانروایی- درست شدن کارها در لفظ عامیانه- مالیخولیا
۱۳- اولین نت- همیشه- سیاره گ- آقای آلمانی
۱۴- زمین آماده کشت- روستایی نزدیک سلیمان گریز
۱۵- نظریه ای هندسی برای گرایش که توسط انیشتین منتشر شد و توصیف کنونی گرانش در فیزیک نوین است- آپوزان

برش